۱۰ برای کریم مدینه تا غربت این روزهای سختمان را درمان باشد

به هوای دَستان کریمت

هزاران چشم

به بهانه روز عصای سفید، مروری داریم بر فیلم‌هایی با محوریت نابینایان

پرویز پرستویی برای بازی در نقش یک نابینا در فیلم بید مجنون سیمرغ بهترین بازیگر جشنواره فجر را دریافت کرد / عکس: CIC

علی رستگار

سینما

بازیگران، نقش‌های متفاوت و پرچالش را دوست دارند و از تجربه‌های تازه در نقش‌آفرینی استقبال می‌کنند. حالا اگر این علاقه با توانایی آنها هم همراه باشد و بتوانند از این آزمون‌های جدید سربلند بیرون بیایند، هم خودشان حظ این نقش نو و متفاوت را احساس می‌کنند و هم تماشاگران از مواجهه با یک بازی تماشایی لذت می‌برند و زبان به تحسین بازیگران می‌گشایند. هرچقدر جهان نقشی که بازیگر قدم به آن می‌گذارد، ناشناخته‌تر و غریب‌تر باشد، این تفاوت و چالش بیشتر هم خواهد بود. بدون تردید یکی از مهم‌ترین چنین نقش‌هایی، بازی در قالب افراد نابیناست. اگر با بازیگر بزرگ و کاربلدی سروکار داشته باشیم و متن و کارگردانی هم استاندارد باشند، صرفا با یک شخصیت‌پردازی و بازی کلیشه‌ای و ویترینی روبه‌رو نخواهیم بود و بازیگر و دیگر عوامل اصلی اثر نمایشی، فراتر از برداشت‌های مرسوم و اشتباه و دلسوزی‌های ناآگاهانه‌ای که غالبا وجود دارد، سراغ نابینایی، شخصیت نابینا و این‌که چنین افرادی باوجود ندیدن، «زندگی» می‌کنند، می‌روند. به مناسبت و به بهانه روز جهانی عصای سفید (۱۵ اکتبر/ ۲۴ مهر)، صرفا مروری خاطره‌انگیز داریم بر برخی فیلم‌های ایرانی و خارجی که با محوریت شخصیت‌های نابینا ساخته شدند.

گل‌های داوودی (رسول صدرعاملی)

بازیگران نقش نابینا: بیژن امکانیان، هیلدا پیرزاد

مکث: یکی از مشهورترین ملودرام‌های سینمای ایران که دلداده‌های جوان قصه نابینا هستند. صحنه‌های پایانی فیلم با موسیقی کامبیز روشن‌روان که در آن مریم را با عصای سفید و در حال دلداری به همسرش جواد می‌بینیم، ماندگار و خاطره‌انگیز است.

بید مجنون (مجید مجیدی)

بازیگر نقش نابینا: پرویز پرستویی

مکث: بازیگرانی که نقش کاراکترهایی با مشکل جسمی یا روحی را بازی می‌کنند، معمولا از سوی تماشاگران و جشنواره‌ها قدر می‌بینند. این اتفاق برای پرستویی افتاد و او برای بازی در نقش نابینایی که دوباره بینایی‌اش را بازیافته، برنده سیمرغ جشنواره فجر شد. ذوق او بعد از دوباره دیدن مثال‌زدنی بود.

از کرخه تا راین (ابراهیم حاتمی‌کیا)

بازیگر نقش نابینا: علی دهکردی

مکث: چالش علی دهکردی بازیگر نقش سعید این بود که نابینای صرف نبود بلکه باید حس و حال یک جانباز شیمیایی جنگ را بازی می‌کرد که نابینا شده و در عین حال به سرطان خون هم مبتلاست. دهکردی چند سال بعد نقش یک نابینای دیگر را در سجده بر آب بازی کرد.

رنگ خدا (مجید مجیدی)

بازیگر نقش نابینا: محسن رمضانی

مکث: چالش بازیگر برای ایفای نقش یک نابینا یک مساله است و چالش بازیگری یک نابینا مساله‌ای دیگر. این دومی در رنگ خدا اتفاق افتاد و رمضانی وقتی کودکی ۱۱ ساله بود، با هدایت مجیدی بازی درخشانی انجام داد و برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر جشنواره فجر هم شد. او بعدا دو بار دیگر جلوی دوربین رفت.

شیدا (کمال تبریزی)

بازیگر نقش نابینا: پارسا پیروزفر

مکث: در این فیلم عاشقانه که در زمینه‌ای جنگی روایت می‌شود، پیروزفر نقش رزمنده‌ای مجروح را بازی می‌کند که در بخش‌های زیادی از فیلم چشمانش بسته و پانسمان شده است و توانایی دیدن ندارد. البته چون به هرحال فیلم عاشقانه بود و نگاهی هم به گیشه داشت، در صحنه‌هایی هم چشمان پیروزفر را به تماشاگر نشان می‌دهند!

ایستگاه بهشت (نادر مقدس)

بازیگر نقش نابینا: شهاب حسینی

مکث: شهاب حسینی هم بازی در نقش یک نابینا را تجربه کرده و عصای سفید به دست گرفته؛ شاید نتیجه نهایی فیلم چندان رضایتبخش نبود، اما بحثی که فیلم درباره تغییر نگاه مطرح می‌کند، قابل تامل است.

چشمان سیاه (ایرج قادری)

بازیگر نقش نابینا: ماه‌چهره خلیلی

مکث: غزل دختری است که به‌تدریج بینایی خود را از دست می‌دهد. ماه‌چهره خلیلی اوایل فیلم و در صحنه‌ای، زن کهنسال نابینایی (با بازی مادربزرگش پروین سلیمانی) را از خیابان رد می‌کند که مقدمه‌ای بر وضعیت آینده خود اوست.

چشم و گوش بسته (فرزاد مؤتمن)

بازیگر نقش نابینا: بهرام افشاری

مکث: دو شخصیت فیلم، یکی نابینا با بازی بهرام افشاری و یکی ناشنوا با بازی امین حیایی در موقعیت‌های کمیکی قرار می‌گیرند اما با این حال به کمک هم کار را پیش می‌برند. نمونه اصلی و اولیه فیلم، اثری آمریکایی به نام «شر نبین، شر نشنو» با بازی ریچارد پرایور و جین وایلدر است.

قصه‌های آقای راوندی

در تلویزیون هم فیلم و سریال‌هایی درباره افراد نابینا داشته‌ایم، اما بدون تردید بهترین نمونه در این زمینه مجموعه هزاران چشم به کارگردانی کیانوش عیاری و بازی درخشان مهدی هاشمی است. او در این سریال نقش آقای راوندی، دبیر تحریریه یک مجله را دارد که خوانندگان درباره مشکلات‌شان به او نامه می‌نوشتند. هاشمی یکی از باورپذیرترین و ملموس‌ترین نابیناهای سینما و تلویزیون ایران را بازی کرد، آدمی که باوجود نابینایی، مثل همه آدم‌های دیگر زندگی معمولی دارد. نحوه درست استفاده از دست‌ها و مواجهه مناسب با صداها و میمیکی که باید در غیبت چشم‌ها، زندگی و کار راوندی را پیش ببرد، جملگی در بازی هاشمی پیش‌بینی و اجرا شده است.

وقتی نابینایان فیلم می‌بینند

قبلا وقتی از تماشای فیلم از سوی نابینایان صحبت می‌کردیم، باعث تعجب خیلی‌ها می‌شد. اما چند سالی است که در سینمای ایران هم چنین امکانی مهیا شده و نابینایان علاقه‌مند سینما هم می‌توانند با فیلم‌ها مواجه شوند. گروه سوینا (سینمای ویژه نابینایان) که به همت گلاره عباسی بازیگر تاسیس شده، با مشارکت بازیگران چهره سینمای ایران فیلم‌ها را برای مخاطبان نابینا روایت می‌کنند تا آنها جز شنیدن دیالوگ‌های فیلم در جریان همه جزئیات بصری اثر هم قرار بگیرند و به‌خوبی قصه را درک و دریافت کنند.

نوید محمدزاده در تمرینات فیلم شب، داخلی، دیوار

نویدِ نابینا

نوید محمدزاده یکی از مهم‌ترین بازیگران سینمای ایران در سال‌های اخیر است و در همین چند سال فعالیت، نقش‌های متفاوتی را بازی کرده. تجربه تازه او بازی در نقش یک نابینا در فیلمی از وحید جلیلوند است؛ شب، داخلی، دیوار.

به جز فیلم‌هایی که به آنها اشاره شد، باید از آثاری چون سلطان قلب‌ها، پنجره (۱۳۶۷)، چشم‌هایم برای تو، رقص با ماه، دو چشم بی‌سو، اشکان انگشتر متبرک و چند داستان دیگر، چشم شیشه‌ای، زمهریر، اتوبوس شب، سکوت، لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند و... هم نام ببریم که نقش‌هایی با محوریت یا حضور کاراکترهای نابینا داشته‌اند. گاهی هم در فیلم‌هایی صحنه‌های نابینایی شبیه‌سازی شده، مثل بازی اکبر عبدی در هنرپیشه به نقش نوازنده‌ای دوره‌گرد یا سلام سینما که یک عاشق بازیگری در تست خودش را یک نابینا جا می‌زند، بلکه بتواند نظر کارگردان را به خود جلب کند.

تاکشی کیتانو در فیلم زاتویچی نقش یک شمشیرزن نابینا را بازی می‌کند

روشنایی‌های سینما

سینمای جهان هم پر است از فیلم‌هایی که با محوریت شخصیت‌های نابینا ساخته شده که بسیاری از آنها به دلیل متن و کارگردانی و بازی خوب بازیگران محبوب و ماندگار شده‌اند. بوی خوش زن (هر دو نسخه با بازی ویتوریو گاسمن)، معجزه‌گر (با آن بنکرافت و پتی دوک)، سینما پارادیزو (با بازی فیلیپ نوآره)، تا تاریکی صبر کن (با بازی ادری هپبورن)، روشنایی‌های شهر (با بازی ویرجینیا چریل)، رهاشده (با بازی مورگان فریمن)، کتاب الی (با بازی دنزل واشنگتن)، زاتویچی (با بازی تاکشی کیتانو)، ری (با بازی جیمی فاکس) و... برخی از نمونه‌های مشهور در این زمینه هستند.

از «خروس جنگی» تا «هزاردستان»

امروز سی‌ویکمین سالمرگ مرتضی حنانه است

مرتضی حنانه همیشه آرزو داشت در کنار حکیم بزرگ ایران زمین؛ ابن سینا به خاک سپرده شود، اما این خواسته‌اش ممکن نشد و در امامزاده طاهر کرج دفن شد. او که بزرگ‌ترین مشغله ذهنی‌اش چندصدایی کردن موسیقی ایران بود، کوشش‌هایی در این باره کرد، ولی مورد پذیرش همه موسیقیدانان قرار نگرفت. او در سال ۱۳۲۸ همراه با دوستانش نشریه فرهنگی و پیشروی «خروس جنگی» را بنیاد گذاشت.

در کتاب «گام‌های گمشده»، مرتضی حنانه می‌کوشد تا آنچه از موسیقی ایرانی در دسترس است، گرفته و با کمک معانی و مفاهیم لغات و اصطلاحات متداول، به چگونگی این موسیقی پی ببرد. در واقع هدف حنانه در این کتاب دست یافتن به یک رشته ارتباط منطقی و به خصوص نظری میان اجزای مختلفِ موسیقی (کمی پریشان) ایران امروز است و در این راه تلاش کرده چنانچه تشریح نکته‌ای سخت است، در حد امکان، مطالب به زبان ساده بیان کند. مبنای کار مرتضی حنانه براساس موسیقی ملی ایران بود. تز او نیز درباره آفرینش بر مبنای مُدهای موسیقی ایران بود، نه براساس آفرینش بر مبنای موسیقی کلاسیک غرب! امیرعلی حنانه درباره شیوه آهنگسازی پدرش می‌گوید: «فکر و مبنای آهنگسازی مرتضی حنانه مخالف آهنگسازی اپراست. اپرا بر مبنای صرف، یک‌سری قواعد مشخص موسیقی غربی دارد که طبق آن نوشته می‌شود. واضح است که در آهنگسازی مرتضی حنانه این قواعد وجود ندارد. سبک آفرینش موسیقی حنانه، براساس مقام‌های موسیقی ایران است و تمام.»

حنانه همواره با احمد شاملو و علی حاتمی اختلاف‌هایی داشت. اصغر بیچاره، عکاس، نیز از همکاری حاتمی با حنانه در سریال هزاردستان این‌طور یاد می‌کند: «حاتمی کار حنانه را می‌شناخت، اما موسیقی را نمی‌شناخت. حنانه با دست‌اندرکاران فیلم مشکل پیدا کرد، چون آثار موسیقی دیگران را بدون اجازه و اطلاع حنانه در فیلم گنجانده بودند. آقای حاتمی این اعتقاد را داشتند که اگر من لازم بدانم درخت را هم رنگ می‌کنم. که در جواب حاتمی، حنانه به طعنه پاسخ داده؛ شاید مقداری از این رنگ‌ها هم روی اسامی آهنگسازان دیگر رفته و آنها را محو کرده و تنها نام حنانه باقی‌مانده است.» پسر این آهنگساز اما در این باره گفته است: «علی حاتمی شخصیتی مردمی، مهربان و خوش‌قلب بود که با پدر دوستی دیرینه داشت و با موسیقی روحش به‌هم می‌ریخت و حتی با برخی نغمه‌ها گریه می‌کرد.» اما او نیز عین حال متاسف است از این‌که کسی مانند حاتمی بدون مشورت با پدرش موسیقی هزاردستان را تغییر داده است.

یادداشت:
حمید نورشمسی
روزنامه‌نگار

ایران غایب بزرگ نمایشگاه کتاب فرانکفورت ۲۰۲۰

هفتاد و دومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت در حالی از روز چهارشنبه هفته جاری افتتاح می‌شود که این رویداد مهم و تاثیرگذار در عرصه نشر جهان تحت تاثیر بحران کرونا با وضعیت ویژه‌ای به استقبال مخاطبان خود رفته است. در آستانه افتتاح این نمایشگاه، مسؤولان برگزاری این رویداد اعلام کرده‌اند که نمایشگاه امسال که بخش عمده آن با حمایت دولت آلمان در قالب پلتفرم مجازی در دست برگزاری قرار گرفته است با حضور ۴۴۰۰ غرفه‌دار و شرکت‌کننده در فضای مجازی از ۱۰۳ کشور و برگزاری ۲۱۰۰ رویداد در قالب فضای مجازی طی پنج روز که در ۲۶۰ ساعت اجرا خواهد شد به استقبال علاقه‌مندان کتاب و نشر در جهان خواهد رفت. در میان غرفه‌داران دیجیتالی این دوره از نمایشگاه، آلمانی‌ها رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند که با ۱۰۴ غرفه مجازی به دیدار مخاطبان خود می‌روند و پس از آن سوئیس، اتریش، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، کانادا، چین، فرانسه و برزیل قرار خواهند داشت. با این همه کشورهای کوچک‌تری مانند نپال، برونئی و حتی عراق هم گوشه‌چشمی به حضور در این رویداد داشته و حضور خود را در آن اعلام کرده‌اند.

همچنین ۷۵۰ برنامه سخنرانی با حضور سخنرانانی چون مارگارت اتوود و ادوارد اسنودن نیز امسال میزبان این رویداد مجازی در عرصه نشر جهانی خواهند بود. مدیران این نمایشگاه از این بستر بزرگ برای ایجاد ارتباط مجازی میان فعالان نشر در سراسر جهان با عنوان سیگنالی بزرگی از امید برای زنده ماندن صنعت نشر در جهان یاد کرده‌اند و با اذعان بر این‌که فضای مجازی در این عرصه نمی‌تواند جای رویارویی مستقیم را بگیرد، از این‌که صنعت نشر جهان پس از بحران کرونا توانسته است در این موقعیت تازه به خودباوری رسیده و خود را بار دیگر احیا کند ابراز رضایت کرده‌اند. در ایران اما موسسه تازه تاسیس خانه کتاب و ادبیات که در سال جاری مجری اعلام فراخوان و دعوت از ناشران برای شرکت در این رویداد بوده است. تا زمان تنظیم این گزارش آماری از استقبال ناشران ایرانی از این رویداد و نیز امکان‌سنجی حضور آنها ارائه نکرده است. با این همه بررسی اطلاعات پایگاه اینترنتی این رویداد نشان می‌دهد در این رویداد تنها موسسه خانه کتاب و ادبیات آن هم با نام سابق خود یعنی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کنار نمایندگی فرهنگی ایران در آلمان حضور دارند و البته موسسه‌ای به نام ایران‌شناسی که دفتر آن در تهران است. حالا این سوال مطرح است که حضور پررنگ و لعاب سال‌های پیشاکرونایی ایران در این نمایشگاه چه خصوصیت و کیفیتی برای ناشران ایرانی داشته و با چه هدفی صورت پذیرفته و حتی مورد برنامه‌ریزی دولتی قرار می‌گرفته است؟ و این سوال که چرا رویداد مجازی این نمایشگاه در سال جاری که به‌طور طبیعی هزینه کمتر و امکانات بیشتری را برای آنها فراهم می‌آورد مورد استقبال آنها قرار نگرفته است؟